



Islam and the Problem of Evil: A Bibliographic Survey of English-Language Scholarship

Saida Mirsadri¹ 

Submitted: 2024.12.10

Accepted: 2025.03.13

Abstract

The human catastrophes of World War II, along with the experience of the Holocaust—occurring after the dominance of Enlightenment rationality and its associated values—gave rise to profound existential and philosophical questions. These inquiries led to the emergence of a robust discourse on evil within the Western philosophical and theological traditions. In this context, atheistic philosophers questioned the rationality of traditional theism and its approach to the problem of evil. Additionally, anti-theodicy movements emerged, condemning any attempt to justify evils as shameful and morally indefensible. Against this backdrop, Jewish and Christian theologians, along with theistic philosophers, engaged in a reevaluation of their religious traditions, offering more resilient responses to the problem of evil. However, in the Islamic world, scholars have shown relatively little interest in such a reexamination. This paper provides a brief survey of contemporary works on Islam and the problem of evil, demonstrating that the few existing studies often reiterate classical and traditional responses or dismiss the discourse on evil as a Western and foreign concern. The conclusion drawn from this analysis is that Islamic theology still needs to address the existential and human dimensions of evil and to offer practical responses to this enduring challenge.

Keywords

Islam, problem of evil, contemporary world, bibliography

© The Author(s) 2025.



1. Post-doc Research Fellow, Faculty of Catholic Theology, University of Bonn, Bonn, Germany.
(smirsadr@uni-bonn.de)



اسلام و مسئله شرّ: بررسی مختصر کتاب‌شناسی آثار اصلی موجود به زبان انگلیسی

سعیده میرصدری^۱ ID

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۳

دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰

چکیده

فجایع انسانی حاصل از جنگ جهانی دوم و همچنین تجربه کشتارهای دسته‌جمعی یهودیان که پس از دوران حاکمیت عقل روشنگری و ارزش‌های شکل‌گرفته از آن رخ داده بود، به پرسش‌های وجودی و فلسفی بسیاری انجامید که منجر به شکل‌گیری گفتمان شرّ در سنت فلسفی و الهیاتی غرب گردید. در این فضا، فلاسفه ملحد در معقولیت خداآوری سنتی و دیدگاه آن نسبت به مسئله شرّ تردید نمودند. همچنین جریان‌های ضدتئودیسه نیز شکل گرفتند که هر گونه تلاش برای توجیه شرور را شرم‌آور و غیراخلاقی می‌خواندند. در این پس‌زمینه، متکلمان یهودی و مسیحی و فلاسفه دین‌باور به بازخوانی سنت دینی‌شان و ارائه پاسخی با تاب‌آوری بیشتر در خصوص مسئله شرّ روی آوردند. اما در جهان اسلام متفکران مسلمان علاقه چندانی به این بازخوانی نشان ندادند. در این مقاله مختصر، با بررسی کتبی که به زبان انگلیسی در زمینه اسلام و مسئله شرّ در دوره معاصر نگاشته شده، نشان داده می‌شود که این آثار محدود نیز غالباً به واگویی همان پاسخ‌های کلاسیک و سنتی پرداخته‌اند و یا این که گفتمان شرّ را دغدغه‌ای غربی یا بیگانه قلمداد کرده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد که الهیات اسلامی همچنان نیازمند پرداختن جدی‌تر به وجه وجودی و انسانی شرّ و ارائه پاسخ‌های عملی بدان است.

کلیدواژه‌ها

اسلام، مسئله شرّ، جهان معاصر، کتاب‌شناسی، گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. پژوهشگر پسادکتری، دانشکده الهیات کاتولیک، دانشگاه بن، بن، آلمان. (smirsadr@uni-bonn.de)

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم و در پی فجایع انسانی شکل‌گرفته و در پی خرابه‌هایی که این جنگ خانمان‌سوز از خود به جای گذاشته بود، و تلّ خاکستر اخلاقی و اجتماعی که سال‌ها حکومت‌های فاشیستی انباشته بودند، موجی از یأس، سرخوردگی، ترس، وحشت، پرسش و خشم بر فضای اروپا و به تبع آن امریکای بعد از جنگ حاکم شد.

از سوی دیگر، تجربه کشتارهای دسته‌جمعی یهودیان (هولوکاست) چنان فجیع بود که از مرزهای فهم و تبیین فراتر رفته و جامعه را در شوک اخلاقی عمیقی فروبرده بود. این وقایع در جامعه‌ای مدرن، و با سوءاستفاده از روش‌های علم تجربی برای توجیه آن عمل شنیع، یعنی با توجیه برای رسیدن به «به‌نژادی»^۱، به صورت نظام‌مند و صرفاً به دلایل نژادپرستانه اتفاق افتاده بود، آن هم در زمانی که انسان اروپایی تصور می‌کرد پس از حاکمیت عقل روشنگری و ارزش‌های آن، و کنار نهادن دین و خرافات، می‌تواند از هر گونه تعصب و کشتار جلوگیری کند. این فضا در اندیشه، به خصوص در فلسفه و الهیات، نیز بازتاب داشت و به پرسش‌های وجودی و فلسفی بسیاری انجامید و در نهایت منجر به شکل‌گیری گفتمان شرّ در سنت فلسفی و الهیاتی غرب شد.

در چنین فضایی بود که فیلسوف بزرگی چون آدورنو در سال ۱۹۴۹ نوشت: «سرودن شعر بعد از آشویتس [نشان از] بربریت است» (Adorno 2015, 26). و در چنین فضایی بود که برخی از فلاسفه ملحد مدعی شدند که معقولیت خداواری، که به صورت سنتی می‌کوشید به شرّ اصالتی ندهد و آن را با نسبی دانستن، عدمی دانستن، در جهت خیر کثیر دانستن و غیره توجیه کند، در مواجهه با این شرّ مهیب و کثیر و انکارناپذیر، که به صورت جمعی تجربه شده بود، در معرض تردید قرار می‌گیرد. در کنار این جریان ملحدانه علیه عقلانی بودن باور دینی، جریان ضدتئودیسهای نیز شکل گرفت که هر گونه تلاش برای تئودیس‌پردازی را، که در واقع کوشش برای توجیه شرّ است، شرم‌آور و غیراخلاقی خواند و تا حدی پیش رفت که مدعی شد برای وقوع چنین جنایات و جرایمی باید حتی خدا را به محاکمه بُرد.^۲ در همین فضا بود که ایده «مرگ خدا» از سوی برخی از الهی‌دانان مسیحی مطرح شد.^۳

در دل چنین فضای اجتماعی و سیاسی‌ای است که گفتمان شرّ شکل گرفته و این موضوع به یکی از مباحث جدی در فلسفه دین و الهیات جدید در دهه‌های اخیر بدل شده است. با استناد به مسئله شرّ، از یک سو انتقادات اخلاقی شدیدی بر گفتمان تئودیس‌وارده وارد شده و از سوی دیگر معقولیت خداواری در معرض تردید قرار گرفته است. در عین حال، شرّی که به صورت جمعی از سمت فرد فرد افراد انسانی تجربه شده بود، از لحاظ عاطفی و وجودی نیز چالش بزرگی برای باور شخصی ایجاد کرده بود. ابعاد این مسئله (چه به لحاظ فلسفی، چه به لحاظ اخلاقی و چه به لحاظ وجودی) به حدی جدی، عمیق و گسترده بود که هانس کونگ آن را «پناهگاه الحاد» نامید.^۴

در این پس‌زمینه بود که متکلمان یهودی و مسیحی و فلاسفه دین خداواری کوشیده‌اند در مواجهه با انتقادات اخلاقی تند وارد بر گفتمان تئودیس‌وارده و حتی دعاوی ملحدانه در باب عدم معقولیت خداواری در مواجهه با شرّ به بازخوانی سنت دینی‌شان روی آورند و پاسخ‌هایی با تاب‌آوری بیشتر مطرح کنند.

اما متأسفانه در جهان اسلام، متفکران اسلامی علاقه چندانی در این زمینه نداشته و ندارند و در آن چند مورد اندک که ظاهراً به این موضوع اهتمام نشان داده‌اند، در مواجهه با صورت‌های جدید مسئله شرّ همواره به واگویی مکرر پاسخ‌های کلاسیک و سنتی اکتفا کرده‌اند. تعداد آثار منتشرشده در زمینه اسلام و مسئله شرّ به قدری در مقایسه با انبوه آثار موجود در باب مسئله شرّ در گفتمان یهودی و مسیحی ناچیز و اندک است که هر گونه مقایسه معناداری را

غیرممکن می‌کند. ادبیات اسلامی درباره مسئله شرّ به زبان انگلیسی (که زبان غالب گفتمان شرّ و فلسفه دین است) محدود به چند ده مقاله است. تعداد کتاب‌هایی که مشخصاً به این موضوع اختصاص داده شده باشند از این تعداد نیز کمتر بوده و به کمتر از ده اثر محدود می‌شود. در این نوشتار قصد دارم تا مروری مختصر بر این کتاب‌ها داشته باشم.

۲. آثار منتشر شده پیش از سال ۲۰۰۰ میلادی

در حالی که در چند دهه اندک پس از جنگ جهانی دوم صدها کتاب و هزاران مقاله به زبان انگلیسی از سوی فلاسفه دین و یا الهی‌دانان یهودی و مسیحی به مسئله شرّ پرداخته و گفتمانی جدی در باب این موضوع را شکل داده بودند، پاسخ اسلامی به مسئله شرّ پیش از سال ۲۰۰۰ صرفاً محدود به سه کتاب بود.

کتاب اول به قلم اسلام‌شناس امریکایی اریک اورمزی (Ormsby 1984) با عنوان *تئودیه در تفکر اسلامی: مباحث مطرح در باب ایده بهترین جهان ممکن غزالی* در سال ۱۹۸۴ به چاپ رسید. در این کتاب، اورمزی نظریه «بهترین جهان ممکن» از نظر غزالی را معرفی کرده، به بررسی و تحلیل بحث‌های الهیاتی‌ای که پیرامون این ایده شکل گرفته پرداخته است. تقریباً یک دهه و نیم پس از انتشار این کتاب، دو اثر دیگر و هر دو در یک سال یکی با رویکردی الهیاتی و دیگری با رویکردی فلسفی در زمینه پاسخ‌های سنتی مسلمانان به مسئله شرّ وارد بازار شدند. کتاب اول با عنوان *رنج در الهیات معتزلی: آموزه عبدالجبار در باب رنج و عدل الهی* به قلم مارگارتا تی. هیمزکرک (Heemskerck 2000) به بحث رنج در الهیات معتزلی پرداخته است، در حالی که اثر دوم با عنوان *مسئله شرّ: تئودیه ابن سینا*، به قلم شمس ایناتی (Inati 2000) جایگاه شرّ را در نظر ابن‌سینا و تئودیه‌ای که بر اساس تفکر وی قابل ترسیم است بررسی کرده است.

۳. آثار منتشر شده پس از سال ۲۰۰۰ میلادی

حدوداً یک دهه پس از آخرین آثار اندک چاپ‌شده در این زمینه، از سال ۲۰۰۹ به بعد به تدریج علاقه به مسئله شرّ در میان مسلمانان در آکادمی غربی و به زبان انگلیسی با سیری صعودی در حال افزایش است، به طوری که از سال ۲۰۲۰ هر سال یک کتاب با موضوع شرّ در اسلام وارد بازار شده است.

کتاب *اسلام و مسئله رنج سیاهان*، به قلم شرمن جکسون (Jackson 2009) اولین اثر در این موج نوظهور است. این اثر را می‌توان اولین کتابی در سنت اسلامی به حساب آورد که رویکرد کاملاً منحصربه‌فرد و جدیدی به مسئله شرّ ارائه می‌دهد، رویکردی که تا همین امروز نمونه مشابهی برایش در سنت اسلامی نمی‌توان یافت. نوآوری جکسون در این اثر از دو جهت قابل توجه است: از یک سو اهتمامش به وجه وجودی و سیستماتیک شرّ، و از سوی دیگر تمرکز تلاش نظرورزان‌اش نه صرفاً در جهت تئودیه‌پردازی بلکه با رویکردی عملی. جکسون در این اثر بر موضوع بسیار مهمی دست می‌گذارد که در گفتمان شرّ - به طور کلی - به آن توجه اندکی شده است، و آن عبارت است از مسئله رنج سیاهان به عنوان نمونه‌ای از شرّ نظام‌مند (یعنی نژادپرستی). وی به دنبال ارائه پاسخی با دغدغه عملی از دل الهیات نظری اسلامی به مسئله شرّ نظام‌مندی است که قربانیان اصلی آن سیاهان جامعه آمریکایی هستند. بدین ترتیب، «تئودیه سیاه» جکسون، به رغم مبانی نظری‌اش، ماهیتی عملی دارد که تا به امروز در سنت اسلامی کمتر نظیر داشته است.

این کتاب در واقع نوعی پاسخ به ویلیام آر. جونز (Jones 1973) است، در کتاب جنجالی‌اش با عنوان *آیا خدا یک نژادپرست سفیدپوست است؟* جونز در این کتاب الهی‌دانان سیاه‌پوست را به دلیل موضع منفعلانه‌شان در برابر رنج سیاهان به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد. پرسش اصلی جونز در این اثر این است که آیا آن دسته از الهیات سیاهان که بر پایه سنت مسیحی - یعنی باور به خدایی سراسر خیر که بر تاریخ بشر حاکم است - بنا شده می‌تواند مبنای الهیاتی مناسبی برای مقابله مؤثر با ساختارهای ظالمانه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشد؟

جونز با این استدلال که اعتقاد به خدایی سراسر خیر و قادر محض به کار جوامع تحت ستم نمی‌آید، از الهی‌دانان آزادی‌بخش سیاه‌پوست می‌خواهد تا به نوعی خداباوری جدید روی آورند. پیشنهاد او یک «خدامحوری انسان‌محور»^۹ است که بر اساس آن حاکمیت خدا بر تاریخ بشر نفی شده، به انسان‌ها عاملیت مستقل نسبت داده می‌شود. در چنین چارچوبی، جونز تنها انسان را مسئول شر اخلاقی می‌داند، و با این کار سیاهان را فرامی‌خواند تا علیه ظلم قیام کنند. به عقیده او، بر اساس چنین خداباوری انسان‌محوری، دیگر عصیان علیه ظلم به معنای عصیان علیه خداوند نخواهد بود.

بنابراین، شرم‌ن جکسون در کتاب *اسلام و مسئله رنج سیاهان* در واقع در گفتگو با جونز و انتقادات او به خداباوری سنتی است. وی در پی ارائه بدیلی اسلامی است تا به مدد آن راه‌حل خدااورانه مناسبی برای رنج سیاهان بیاید. جکسون این گونه نظریه‌پردازی در باب مسئله شر را «تئودیه سیاه»^{۱۰} می‌نامد و آن را گونه‌ای خاص و منحصر به فرد از تئودیه توصیف می‌کند که هدفش صرفاً بررسی مسئله شر در بستر تاریخی و اجتماعی رنج جامعه سیاه‌پوستان آمریکایی است.

به رغم این که نقدهای جونز به طور مشخص خطاب به الهی‌دانان مسیحی سیاه‌پوست و به ویژه طرفداران الهیات سیاه است، جکسون به عنوان یک متفکر سیاه‌آمریکایی، هرچند از سنتی متفاوت اما خدااورانه، وارد گفت‌وگو شده و تلاش می‌کند تا پاسخی از دل سنت اسلامی ارائه دهد، چرا که معتقد است نقد جونز می‌تواند خطاب به هر دین توحیدی‌ای باشد که خدا را هم قادر مطلق و هم سراسر خیر می‌داند. بدین ترتیب، با هدف پاسخ گفتن به چالش مطرح‌شده توسط جونز، شرم‌ن جکسون سنت الهیاتی کلاسیک اهل سنت را وارد بحث مدرن تئودیه سیاهان می‌کند.

یک سال بعد، کتاب *تئودیه و عدالت در اندیشه اسلامی مدرن: مورد سعید نوری*، به ویراستاری ابراهیم ابو ربیع (Abu-Rabi 2010) منتشر می‌شود. در این مجموعه، طیف وسیعی از اندیشمندان مسلمان، شامل متخصصان مطالعات اسلامی، مطالعات خاورمیانه و مطالعات ترکیه، به بررسی الهیات و فلسفه بدیع‌الزمان سعید نوری (۱۸۷۷-۱۹۶۰)، متفکر و الهیدان ترک مسلمان معاصر، می‌پردازند. در این مقالات دیدگاه‌های مختلف سعید نوری در باب تئودیه و عدالت معرفی و تحلیل شده و سپس به گفت‌وگو با فیلسوفان و الهی‌دانان غربی درآمده است. هرچند قصد این کتاب، همان گونه که در عنوان آمده، ارائه گونه‌ای تئودیه بر اساس دیدگاه سعید نوری است، اما این اثر بیش از دغدغه شر، رنج و تئودیه به ایده عدالت سیاسی و اجتماعی از نگاه این متفکر مسلمان توجه دارد.

پنج سال بعد و در سال ۲۰۱۵ کتاب *امتحان و ابتلا در قرآن: تئودیه‌ای عرفانی*، به قلم نسرين روضاتی (Rouzati 2015) وارد بازار می‌شود. در این اثر نویسنده به بررسی مفهوم قرآنی امتحان‌های الهی (بلا/ابتلاء و فتنه)

پرداخته و تحلیلی ارائه می‌دهد که شامل روایت‌های قرآنی، حدیث و ادبیات تفسیری است. روضاتی سپس به بررسی نبوت و مروری بر نقش بلا (آزمایش) در زندگی پیامبران می‌پردازد، و در نهایت بر دیدگاه عرفانی تمرکز می‌کند. اهمیت این کتاب در این است که در بررسی مباحث فلسفی و الهیاتی، نویسنده دیدگاه متفکران شیعی چون ملاصدرا و مرتضی مطهری را وارد گفتمان مسئله شرّ در اسلام می‌نماید.

در همان سال، یک اثر دیگر نیز در این زمینه منتشر می‌شود که بار دیگر به دیدگاه سعید نوری در باب مسئله شرّ می‌پردازد. این کتاب که با عنوان پاسخ یک مسلمان به شرّ: سعید نوری در باب تئودیه و به قلم توبانور اوزکان (Ozkan 2015) وارد بازار نشر شده، به عکس اثر قبل یک تکنگاری است و نه مجموعه مقالات. همچنین بر خلاف اثر پیشین بیشتر متمرکز بر مفهوم رنج و شرّ است، نه ایده عدالت الهی و اجتماعی، و سعی می‌کند با نیم‌نگاهی به گفتمان شرّ در سنت مسیحی و یهودی، تئودیه‌ای برگرفته از فهم قرآنی سعید نوری و متمرکز بر اثر اصلی وی یعنی رساله النور^۱ ارائه دهد.

به فاصله شش سال بعد، کتاب الهیات اسلامی و مسئله شرّ اثر سفروک زد. چودری (Chowdhury 2021) وارد بازار می‌شود. این کتاب به کاوش در زمینه‌هایی می‌پردازد که در گفتمان جدید شرّ در آکادمی غربی شناخته شده و مورد توجه بوده اما در سنت اسلامی تا حد زیادی نادیده انگاشته شده‌اند، موضوعاتی مانند عدل الهی و معلولیت، عدل الهی و درد و رنج حیوانات، عدل الهی و وجود جهنم و غیره. در این اثر نویسنده می‌کوشد با شناخت خوبی که از گفتمان شرّ در سنت مسیحی و یهودی در غرب دارد، به چالش‌های متفاوت مطرح شده در گفتمان شرّ از دل سنت‌های مختلف فلسفی و الهیاتی اسلامی پاسخ‌های متنوع ارائه دهد. در واقع این پاسخ‌ها، به زعم خود نویسنده، به نوعی تئودیه‌ای انباشتی از دل سنت اسلامی ارائه می‌دهند، که تاب‌آوری بیشتری برای پاسخ‌دهی به صورت‌های مختلف مسئله شرّ دارد.

جدیدترین تکنگاری در موضوع شرّ و سنت اسلامی کتاب درباره درد و رنج: دیدگاهی قرآنی نوشته ابلا حسن (Hasan 2022) است. این کتاب به بررسی مفهوم رنج در قرآن پرداخته و سعی می‌کند تئودیه‌ای صرفاً برگرفته از قرآن ارائه کند. حسن با رد دیدگاه مرسوم در باب داستان آدم در قرآن، که به اعتقاد وی بیش از آن که اسلامی باشد ملهم از آموزه گناه نخستین مسیحی بوده، قرائتی تازه از آغاز سفر انسان بر روی زمین بر اساس قرآن ارائه کرده و از این رهگذر انسان‌شناسی الهیاتی جدیدی را تصویر می‌کند. انسان‌شناسی مستحکمی که در این اثر معرفی شده در نوع خود بسیار خلاقانه است و در واقع می‌تواند به عنوان قدم‌های نخستین تفکر اسلامی در ارائه پاسخی انسان‌محورانه، وجودی و عملی به مسئله شرّ قلمداد شود.

نکته قابل توجه در دو اثر اخیر تصریح نویسندگان بر وجود شرّ اصیل^۲ و به رسمیت شناختن آن است. شاهد دعوی این که میان پاسخ‌های مطرح شده به مسئله شرّ در این دو کتاب پاسخی سنتی و پُراشکال عدمی بودن شرّ مطرح نمی‌شود. اما نکته‌ای که هر دو نویسنده از آن غافل اند این است که هر گونه تلاش برای توجیه شرّ که در نهایت شرّ را در خدمت هدفی عالی بداند (چه آن هدف رشد روحی و کمالی باشد، چه امتحان باشد، چه به علت اراده آزاد بشر باشد و غیره) در تحلیل نهایی وجود شرّ اصیل را نپذیرفته است، چرا که شرّی که در جهت خیری اعلی باشد در تحلیل نهایی شرّ نیست.

آخرین کتاب در زمینه مسئله شرّ در سنت اسلامی، مجموعه مقالاتی است با عنوان *از امر الهی تا امر انسانی: اندیشمندان اسلامی معاصر درباره شرّ، رنج و پاندمی جهانی*، به ویراستاری محمد راستم و محمد فاروق (Faruque & Rustom 2023). این کتاب که مقالات نویسندگان برجسته فلسفه و الهیات اسلامی معاصر را گردآوری کرده است، بر اساس کنفرانسی بوده که در سال ۲۰۲۲ در بحبوحه پاندمی جهانی برگزار شده بود. آنچه در این اثر نویدبخش است توجه نویسندگان به موضوعات روز و مهمی مانند پاندمی کووید-۱۹ و تغییرات اقلیمی است. دعوی این اثر به اذعان ویراستاران کتاب این است که به جای تمرکز صرف بر سؤالات الهیاتی سنتی درباره صفات الهی و رابطه خدا با جهان، توجه خود را بر بررسی آسیب‌پذیری انسان، تاب‌آوری و ظرفیت‌های انسانی در مواجهه با رنج متمرکز کند. به عبارت دیگر، با اتخاذ «رویکری انسان‌شناسانه» قصد این مجموعه مقالات پرداختن به وجه انسانی و وجودی شرّ بوده است. اما آنچه در عین نویدبخشی باعث یأس می‌گردد این است که این اثر در نهایت چیزی ورای پاسخ‌های سنتی و متافیزیکی (چون عدمی بودن شرّ، نسبی بودن شرّ، در جهت رشد شخصی و کمالی بودن شرّ، ابتلا و امتحان الهی بودن شرّ و غیره) به پرسش‌های چالش‌برانگیزی چون پاندمی و تغییرات اقلیمی و دغدغه‌های وجودی ارائه نمی‌دهد.

اولین فصل این کتاب که به قلم سید حسین نصر نوشته شده است خط فکر کل اثر را به خوبی بازتاب می‌دهد:

دیدگاه اسلامی درباره مسئله شرّ به طور کلی بسیار متفاوت از آن چیزی است که در جریان اصلی اندیشه غرب یافت می‌شود. در میان مسلمانان، به ندرت می‌توان افرادی را یافت که به دلیل وجود شرّ در جهان از خدا روی‌گردان شوند؛ و آن تعداد اندکی که چنین می‌کنند، عمدتاً مسلمانان غرب‌زده‌ای هستند که گمان می‌کنند برای کاملاً مدرن و غربی شدن باید همان «دردها»ی را در مواجهه با جهان داشته باشند که بسیاری از غربیان دارند. چنین مسلمانانی برای پرداختن به این مسئله به منابع فکری و معنوی سنت خود مراجعه نمی‌کنند، در حالی که در آثار متفکرانی چون امام غزالی، فخرالدین رازی، ابن‌سینا، ابن‌عربی و دیگران، مباحث قابل توجهی در این زمینه وجود دارد. این اندیشمندان همواره مسئله شرّ را بر اساس پذیرش کامل وجود خداوند و خیرخواهی وی بررسی کرده‌اند. از این رو، تلاش‌های آنان برای حل مسئله شرّ هرگز بر ایمانشان به واقعیت وجود خدا تأثیر نگذاشته است. (Nasr 2023, 7)

بیان نصر به غیر از لحن جدلی و غیرعلمی‌اش، نه تنها بسیار ذات‌گرایانه و ایدئولوژیک است، بلکه حتی از واقعیت ملموس حیات مسلمانان و غربیان نیز تا حد زیادی دور است. مگر ذات انسان مسلمان از سرشتی متفاوت از ذات انسان غربی سرشته شده است که در مواجهه با رنج مهیب و درد خانمان‌سوز از هم فرونپاشد و دچار تزلزل باور و از دست رفتن ایمان نشود؟ مگر فطرت انسانی و پرسش‌های وجودی انسان که با موقعیت انسانی‌اش آمیخته‌اند با تغییر موقعیت جغرافیایی و یا پذیرفتن آئینی مشخص تغییر می‌کنند؟ در عین حال این کلام وی گویی از ناآگاهی عمیقی نسبت به گفتمان شرّ خبر می‌دهد، چرا که مسئله شرّ را به صرف ادعای ملحدانه فروکاسته و از وجه وجودی شرّ و انتقادات جدی اخلاقی وارد بر گفتمان تئودسیسه سخنی نمی‌گوید.

۴. جمع‌بندی

در پایان این بررسی مختصر در باب مسئله شرّ و تفکر اسلامی می‌توان گفت که متأسفانه جهان اسلام در این زمینه مشارکت بسیار کمی در بحث‌های فلسفه دین داشته است. اندک مقالات و کتاب‌های نگاشته‌شده در این زمینه، به جز

اندک مواردی از نوآوری، در کل اهتمام جدی‌ای به این مسئله نشان نداده‌اند. حتی در صورت علاقه و توجه به این موضوع، غالب متفکران اسلامی یا از گفتمان جدید شرّ در فلسفه دین غربی غافل بوده و یا به عمد به آن بی‌توجه بوده‌اند. در موارد بسیار اندکی که نویسندگان تلاش کرده‌اند تا گفتمان شرّ را جدی بگیرند و با متفکران غربی وارد گفتگو شوند، تلاش‌هایشان در جهت ارائه پاسخ جدیدی به مسئله شرّ چیزی بیش از واگویی مکرر پرسش‌هایی سنتی به پاسخی کاملاً مدرن نبوده است. در موارد دیگری نیز، همچون آخرین اثر معرفی‌شده، گفتمان شرّ دغدغه‌ای غربی قلمداد شده و با اتخاذ رویکردی جدلی و بر اساس دوگانه‌های «ما/آنها»، «اسلام/مسیحیت»، «سنت/مدرنیته»، «جهان اسلام/جهان غرب» صورت مسئله پاک شده است، رویکردی که در نهایت آورده علمی اندکی در زمینه مسئله شرّ داشته و مشارکت سودمندی در این گفتمان پویا و زنده نخواهد داشت.

زمان آن رسیده که متفکران مسلمانان این پرسش مهم را جدی گرفته و به دور از گفتمان جدلی، سفسطه‌گرایانه و مدافعه‌جویانه با صداقت علمی وجوه مختلف این مسئله را شکافته و رویکردها و پاسخ‌های جدیدی به صورت‌های جدید و متنوع این وجودی‌ترین پرسش بشری ارائه دهند. لازمه این امر این است که دوباره و دوباره به خود یادآور شویم که مسئله شرّ صرفاً گفتمانی ملحدانه نیست. فلاسفه خداباور و حتی متألهانی هستند که از لحاظ اخلاقی و انسانی به گفتمان سنتی تئودیسه، به تلاش‌های سنتی در توجیه شرّ، نقدهای اخلاقی و فلسفی مشروع و موجه بسیاری وارد کرده‌اند. بنابراین پاسخ‌های جدید مستلزم توجه بیش از پیش به وجه وجودی و انسانی شرّ و ارائه پاسخ‌های عملی بدان است. پاسخ‌هایی که نه به دنبال نظریه‌پردازی صرف برای حل مسئله‌ای منطقی، بلکه در راستای کاستن از رنج و مبارزه با شرّ نظام‌مند و طبیعی باشد.

Bibliography

- Abu-Rabi, Ibrahim M. 2010. *Theodicy and Justice in Modern Islamic Thought: The Case of Said Nursi*. Aldershot: Ashgate Publishing.
- Adorno, Theodor W. 2015. *Prismen: Kulturkritik und Gesellschaft*. München: Deutscher Taschenbuch Verlag.
- Chowdhury, Safaruk. 2021. *Islamic Theology and the Problem of Evil*. Cairo: The American University in Cairo Press.
- Faruque, Muhammad U, & Mohammed Rustom. 2023. *From the Divine to the Human: Contemporary Islamic Thinkers on Evil, Suffering, and the Global Pandemic*. London and New York: Routledge.
- Hasan, Aba. 2022. *On Pain and Suffering: A Qur'anic Perspective, Lanham, Boulder*. New York, London: Lexington Books.
- Heemskerck, Margaretha T. 2000. *Suffering in Mu'tazilite Theology: 'Abd al-Jabbar's Teaching on Pain and Divine Justice*. Leiden: Brill.
- Inati, Shams C. 2000. *The Problem of Evil: Ibn Sina's Theodicy*. Albany: State University of New York Press.
- Jackson, Sherman A. 2009. *Islam and the Problem of Black Suffering*. New York: Oxford University Press.
- Jones, William R. 1973. *Is God a White Racist? A Preamble to Black Theology*. Boston: Beacon Press.
- Nasr, Seyyed Hossein. 2023. "Remarks on Evil, Suffering, and the Global Pandemic". In *From the Divine to the Human: Contemporary Islamic Thinkers on Evil, Suffering, and the Global Pandemic*, edited by Muhammad U. Faruque and Mohammed Rustom. New York: Routledge.

- Ormsby, Eric Linn. 1984. *Theodicy in Islamic Thought: The Dispute Over Al-Ghazali's Best of All Possible Worlds*. Princeton, New Jersey: Princeton University Press.
- Ozkan, Y. Tubanur. 2015. *A Muslim Response to Evil: Said Nursi on Theodicy*. New York: Routledge.
- Rouzati, Nasrin. 2015. *Trial and Tribulation in the Qur'an: A Mystical Theodicy*. Berlin: De Gruyter.
- Altizer, Thomas J. J., & William Hamilton. 1966. *Radical Theology and the Death of God*. Indianapolis: Bobbs-Merrill.

یادداشت‌ها

1. Eugenics

۲. تحت تأثیر این فضا و این تفکر، آثار ادبی و هنری چندی خلق شده است، از جمله آثار الیزر (الی) ویزل (Elie Wiesel) نویسنده رومانیایی که خود از بازماندگان هولوکاست بود. یکی از آثار جنجالی وی نمایش‌نامه محاکمه خداوند (۱۹۷۹) (*The Trial of God*) بود، که بر اساس آن در سال ۲۰۰۸ نمایش‌نامه‌ای تلویزیونی با عنوان *God on Trial* در انگلستان ساخته و پخش شد.

۳. برای نمونه، نک. Altizer & Hamilton 1966.

۴. *rock of atheism*. کونگ این اصلاح را از نویسنده آلمانی جورج بوشنر (Georg Büchner) گرفته است. بوشنر «رنج»، و نه «شر»، را «صخره» یا «پناهگاه الحاد» (*Fels des Atheismus*) دانسته بود.

5. humanocentric theism

6. black theodicy

7. *Risale-i Nur Collection (Epistles of Light)*

8. genuine evil

